

سرشناسه	: بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴ - ۱۱۲۳ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: داغ عشق : گزیده ی شورانگیزترین غزلیات بیدل دهلوی / اثر بیدل دهلوی ؛ تدوین و گردآوری علی عبدالحمیدی.
مشخصات نشر	: ارومیه: ادیبان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص، ۱۴/۲۱x۵/۱۴ م.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۵۵۵۸۶۱۶
یادداشت	: گزیده ی شورانگیزترین غزلیات بیدل دهلوی.
عنوان دیگر	: گزیده ی شورانگیزترین غزلیات بیدل دهلوی.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۲ ق.
موضوع	: عبدالحمیدی، علی، ۱۳۶۲ - گردآورنده
ردیفی کنگره	: PIR ۶۶۴۱۳۹۵/۱۶۱
رده بندی دیویی	: ۵/۱۵۸

شناسنامه

عنوان :	داغ عشق
عنوان فرعی :	گزیده اشعار دهلوی
اثر :	بیدل دهلوی
گرد آوری و تدوین :	علی عبدالحمیدی
ناشر / محل نشر :	ادیبان / ارومیه
حروف چینی :	محسن تشری
صفحه آرای :	زهرا امیدی
طراح جلد :	محمود سماواتی
بصحيح و ویرایش :	عبدالحمیدی
نویت و تاریخ چاپ :	اول تابستان ۱۳۹۵
بیراژ :	۵۰۰ نسخه
قطع ، نوع کاغذ ، تعداد صفحات :	رقعی / پالک / ۹۴ صفحه
قیمت :	۹۰/۰۰۰ تومان
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۸-۶۱-۶

«تمامی حقوق این اثر محفوظ و متعلق به مرکز پخش محراب علم می باشد.»

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۲۹۰۷۰۲۹

غزل

صفحه

- ۹ از این هوسکده با آرزو به جنگ برون آ
 ۱۱ چو شمع یک مژه واکن ز پرده برون آ
 ۱۳ آن پری گویند شب خندید بر فریاد ما
 ۱۵ اگر اندیشه کند طرز نگاه او را
 ۱۷ اگر به گلشن ز ناز گردد قد بلند تو جلوه فرما
 ۱۹ ای ز چشم می پرستت مست حیرت جامها
 ۲۱ پیش توانگر منشان، پهلوی لاغر مگشا
 ۲۳ حسابی نیست با وحشت جنون کامل ما را
 ۲۵ حسن شرم آینه داند روی تابان ترا
 ۲۷ داغ عشقم نیست الفت با تن آسانی مرا
 ۲۹ دل می رود و نیست کسی دادرس ما
 ۳۱ شور جنون در قفسی با همه بیگانه برآ
 ۳۳ عشق اگر در جلوه آرد پرتو مقدور را
 ۳۵ کز نام سرمشق حیرت سرو موزون تو را
 ۳۷ در جای درخت از چشمم برون می گردد آب
 ۳۹ آستین عشق جولانگاه هر بی باک نیست
 ۴۱ امروز که میدانی کوی تو مقیم است
 ۴۳ ای سم من این شکوه نرگس مستانهات
 ۴۵ این زمان یک طالب مستی در من میخانه نیست
 ۴۷ پس که از طرز خرامت بلوه ستانه ریخت
 ۴۹ پس که حرف مدعا در دلم افشام است
 ۵۱ تا زجنس تب و تاب ندانم اثرش هست
 ۵۳ چشمی که ندارد نظری حلقه می افشام است
 ۵۵ خواب را در دیده حیران عاشق یار نیست
 ۵۷ هر جا دلی تبیدن شوق خیال داشت
 ۵۹ هر کجا لعل تو رنگ خنده مستانه ریخت
 ۶۱ هوس نماند ز بس عشق آن نگارم سوخت
 ۶۳ هیچ کس جز یأس، غمخوار من دیوانه نیست
 ۶۵ یارب امشب آن جنون آشوب جان و دل کجاست

غزل

صفحه

یک شبم در دل نسیم یاد آن گیسو گذشت	۶۷
آنجا که خیالت ز تمنا گله دارد	۶۹
از چرخ نه هر ابله و نادان گله دارد	۷۱
از دلم بگذشت و خون در چشم حیرت‌ساز ماند	۷۳
اگر معشوق بی‌مهر است و گر عاشق وفا دارد	۷۵
چشم تو به حال من گر نیم‌نظر بندد	۷۷
چشم چون آیینه بر نیرنگ عرض ناز بند	۷۹
داغ بودم که چه خواهم به غمت انشا کرد	۸۱
عاقبت در حلقه‌ی آن زلف، دل جا می‌کند	۸۳
برگشش و می‌کند طومار استغنا ناز	۸۵
ن قیامت می‌کند از طب ناشادم مپرس	۸۷
نکستن خاطر دارم مپرس از فکر تدبیرش	۸۹
عالم ان نسیم تمام شد می فروش	۹۱
آرزویی در گره بست درزی یکتا شدم	۹۳
امشب آن مستی‌ساز می‌ریدم	۹۵
به عشقت گر همه یک دل سامان بود در دستم	۹۷
به یاد نرگس او هر طرف احرام می‌بندم	۹۹
تا دچار ناز کرد آن نرگس مستانه	۱۰۱
ز دست عافیت داغم سپند یأس پروانه	۱۰۳
شبی کز خیال تو گل چیده بودم	۱۰۵
شبی مشتاق رنگ‌آمیزی تصویر دل گشتم	۱۰۷
عشق هوایی زد به صد مستی جنون باز آمدیم	۱۰۹
نفس را بعد ازین در سوختن افسانه می‌سازم	۱۱۱
یاد من کردی به سامان گشت ناز هستی‌ام	۱۱۳
ز شوخی تا قدح می‌گیرد آن بیدار مست من	۱۱۵
تا به شوخی نکشد زمزمه‌ی ساز نگاه	۱۱۷
این چه طاووسی نازست که اندوخته‌ای؟	۱۱۹